

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۲ نومبر ۲۰۲۳

مدرسه یا پایگاه طلاب و بسیجی‌ها؟!

جمهوری اسلامی از همان روزهای نخست به قدرت رسیدنش، تلاش کرده است جامعه و همه مراکز آموزش از ابتدایی تا آکادمیک و حتی نوع لباس پوشیدن مردم به‌ویژه زنان را در راستای اهداف و ایدئولوژی خود اسلامیزه کند و به هر نحوی از رشد و گسترش فرهنگ جهان‌شمول و مردمی و آزادی‌خواهانه جلوگیری کند. اما همین دست و پا زدن‌های امروزی نهادها و مقامات مسئول جمهوری اسلامی، نشان می‌دهند که در این ۴۵ سال حاکمیت هنوز به اهداف خود نرسیده و ناکام مانده‌اند. به‌خصوص اکنون پس از جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی»، جمهوری اسلامی سخت به وحشت افتاده و به‌همین دلیل، سرکوب و سانسور شدید و جنون‌آمیزی را در پیش گرفته است به‌طوری که حتی منتقدین درون خود را نیز پاکسازی می‌کند تا با یک‌دست کردن حکومت؛ شاید چند صباح دیگری به حاکمیت ضدانسانی خود ادامه دهد.

واقعا در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران چه می‌گذرد؟! این‌جا مدرسه است یا پایگاه طلاب و بسیجی‌ها؟! جمهوری اسلامی، در حالی که به میلیارد‌ها دلار به اسلامیزه کرد جامعه اختصاص داده است که آموزش و پرورش کسر بودجه دارد و بسیاری از مدارس نیز فرسوده و ناامن و برای دانی‌آموزان خطرناک هستند. برای نمونه صحرایی، وزیر آموزش و پرورش گفت: «امسال با همکاری ستاد راهیان نور یک میلیون دانش‌آموز به راهیان نور اعزام می‌شوند.»

جمهوری اسلامی در حالی که به این نوع مراسم‌های ایدئولوژیک خود بودجه‌های زیادی اختصاص می‌دهد که در سیستان و بلوچستان صدها مدرسه کانکسی وجود دارد و یا کپرها مشغول به تحصیل هستند.

در ایران، ۱۳۰ هزار مدرسه وجود دارد که ۱۰۷ هزار واحد آن دولتی است. بسیاری از این مدارس کلنگی و نیاز مبرم به بازسازی دارند.

یک میلیون و ۶۰۰ هزار بازنشسته فرهنگی در ایران داریم که به لحاظ اقتصادی همانند بازنشستگان دیگر زندگی سختی دارند.

از سوی دیگر، به گزارش خبرگزاری فارس، علی کریمی فیروزجایی، رئیس کمیته آموزش و پرورش کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس اعلام کرده است ۵۰ هزار مدرسه فاقد معلم ورزش مستقل هستند.

گاهی معلمان آزادی‌خواه، مطالبی می‌نویسند تا ادعاهای غیرواقعی و دروغ‌گویی‌های مسئولین آموزش و پرورش را برملا می‌سازند. چرا که دست‌اندرکاران دستگاه آموزش و پرورش، مدام در حال بخشنامه کردن و برنامه فرستادن و پیچیدن نسخه‌هایی است که یکی از هزار آن هم سرانجامی ندارد.

یوسف نوری وزیر سابق با مدرک فوق دیپلم پرورشی از تربیت معلم نیز با برجسته کردن خبرهایی چون برپایی موكب اربعین در كربلا، اردوی راهیان نور و اجلاس‌های نماز می‌خواست نشان دهد به اندازه کافی حواسش به این حوزه است.

در یکی از این مطلب آمده است؛ وجود اخبار رنگارنگی و پر آماری چون: «بزرگترین محفل دانش‌آموزی انس با قرآن در جهان اسلام»، «وجود بیش از ۶۹ هزار نمازخانه در مدارس»، «فعالیت بیش از ۴۷ هزار امام جماعت در مدارس»، «اجرای طرح «پیوند مسجد، محله و مدرسه» در ۳ هزار واحد آموزشی کشور»، «با «نورینو» نمازخواندن فرزندان را ببینید!» و صدها برنامه که هدفش پرورش و تربیت نسل دانش‌آموز عنوان شده است؛ و... اما این مسایل نشان می‌دهند که هدف نهادها و مقامات آموزش و پرورش، یادگیری علم و دانش نیست بلکه تحمیل ایدئولوژی حاکمیت به مراکز آموزشی است.

محتوی تبعیض‌آمیز کتاب‌های درسی نیز یک مسئله جدی است؛ تمام کلیشه‌هایی که تبعیض و نابرابری جنسیتی را تبلیغ می‌کنند در کتاب‌های درسی موج می‌زنند. تصویر زنان در کتاب‌های درسی بسیار کمتر از تصویر مردان است. در مطالعاتی که انجام شده در مقابل ۵۳ تصویری که در کتاب‌های درسی دبستان از زنان وجود دارد، ۱۰۸ تصویر از مردان وجود دارد. یعنی تقریباً دو برابر.

کتاب‌های درسی متناسب با گفتمانی تنظیم شده است که برای زن و مرد جایگاه‌های متفاوت و خاصی قائل است، برابری جنسیتی را به رسمیت نمی‌شناسد، مرد را آشکارا جنس برتر می‌داند و زن را فرودست!

نگاهی به محتوای کتاب‌های درسی ایران نشان می‌دهد فراتر از تعداد بیش‌تر تصاویر مردان نسبت به زنان، مشاغل متعددی که مردانه توصیف شده، موقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که برای مردان ترسیم شده، مولفان محتواهای آموزشی دوره ابتدایی و متوسطه در تلاش بوده‌اند تا نقش‌هایی که از منظر جامعه‌شناسی برای زنان و مردان قابل تعریف است را، بر پایه تفکرات ایدئولوژیک و مردسالارانه جمهوری اسلامی تدوین کنند.



۱/۵ میلیون در آستانه ترک تحصیل؛ ۱۴ میلیون کودک بدون غذای مناسب

درحالی که جمهوری اسلامی مشغول پاک‌سازی مدارس از منتقدین و مخالفین و اسلامی کردن کتاب‌های درسی است یک کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس، در اظهاراتی نگران‌کننده از وضعیت کودکان در ایران گفته است که ۱/۵

میلیون کودک در آستانه ترک تحصیل قرار دارند و ۱۴ میلیون کودک نیز در خانوارهایی زندگی می‌کنند که حداقل سبد غذایی را نمی‌توانند دریافت کنند. براساس ویدئویی که در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده هادی موسوی‌نیک گفته است که براساس آمار آموزش و پرورش حدود ۴۵۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل داریم، حدود یک و نیم میلیون نفر کودک در معرض بازماندگی از تحصیل داریم. به گفته موسوی‌نیک از نظر تبعیض آموزشی فقط ۱۲ درصد قبولی‌های رتبه زیر ۳ هزار کنکور از مدارس دولتی بودند. این در حالی است که روند ترک تحصیل دانش‌آموزان در ایران شتاب بیشتری به خود گرفته است و کارشناسان نسبت به عواقب آن هشدار می‌دهند. وزیر اسبق آموزش و پرورش نیز نوزدهم شهریورماه سال جاری با استناد به آمار مرکز پژوهش‌های مجلس تعداد بازماندگان از تحصیل در کشور را ۹۳۰ هزار نفر اعلام کرد و گفت که این افراد، «بی‌سوادان آینده» را تشکیل می‌دهند. آمارها نشان می‌دهد که ۷۰ درصد «ترک تحصیلی‌ها» مربوط به دهک‌های درآمدی پایه یک تا پنج هستند؛ دهک‌هایی که تحت سخت‌ترین فشارهای معیشتی قرار دارند. اما نکته مهم، دلیل بازماندن کودکان از تحصیل و خطر افزایش ۱/۵ میلیون نفری این گروه است که با دلیل عدم بهره‌مندی ۱۴ میلیون کودک از غذای مناسب مشترک است.

اخراج ۲۰ هزار مدیر مدرسه

وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی از تغییر ۲۰ هزار مدیر مدرسه در سراسر کشور خبر داده و گفته در پنج هزار مدرسه کشور نیز «تحول بنیادین» یا همان تشدید اسلامی کردن مدارس در دستور کار قرار گرفته است. به گزارش سایت دیده‌بان ایران جمهوری اسلامی، ۱۴۰۲/۰۸/۱۴، رضامراد صحرایی، وزیر آموزش و پرورش خبر هفته گذشته سایت دیده‌بان ایران درباره اخراج ۲۰ هزار مدیر مدرسه را تایید کرد و این تغییرات را طبیعی دانست! پیش‌تر سایت «دیده‌بان ایران» با جلال محمودزاده نماینده مجلس یازدهم گفت‌وگو کرده بود. در این گفت‌وگو جلال محمودزاده از «تغییر ۱۵ تا ۲۰ هزار مدیر مدرسه به دلایل سیاسی و اعتقادی خبر داده بود.»

رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش موج «پاک‌سازی» در مدارس را تایید کرده و گفته «امسال نزدیک به ۲۰ هزار مدیر مدرسه تغییر کردند تا در مدارس تحول ایجاد کنند، همچنین ۷ هزار مدرسه در مسیر تحول شناسایی شدند که امسال در ۵ هزار مدرسه فعالیت‌های خود را آغاز خواهیم کرد.»

وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، همچنین گفته که «تمامی مدارس شناسایی شده در مسیر تحول مدارس عادی و دولتی هستند، انشاءالله روحیه تحولی به این مدارس برده می‌شود و شاهد الگوسازی برای تمامی مدارس کشور خواهیم بود.»

منظور وزیر آموزش و پرورش از تحول، سند «تحول بنیادین آموزش و پرورش است» که هدفش اسلامی کردن بیش از پیش مدارس است.

بر اساس توضیحات ارائه شده از سوی حکومت، در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش با الهام گرفتن از اسناد بالادستی و بهره گرفتن از ارزش‌های بنیادین آن‌ها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ طراحی شده است.

تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر «آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم‌اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و موثر در عرصه روابط بین‌المللی است.»

رضا مراد صحرایی در بخش دیگری از سخنانش، افزوده که «در جنگ سخت دشمن می‌داند که قوی هستیم و جرات عرض اندام در آن حوزه را ندارد، اما جنگ امروز دیگر در مرزها نیست، بلکه در مغزها است. چنین جنگی به مراتب سخت‌تر خواهد بود چرا که میدان نامرئی است، اما کار تشکیلاتی از این جهت مهم است که حقیقت را روشن می‌کند و با گفت‌وگو هر موضوع نامرئی را آشکار می‌سازد.»

وزیر آموزش و پرورش، همچنین «دانش‌آموزان هسته سخت انقلابی» را مخاطب قرار داده و گفته توقع از این دانش‌آموزان این است که همواره با هم کار کنند، زیرا به گفته او، همراهی عوامل جمهوری اسلامی در دوره‌های بعد از انقلاب آنان را شکست‌ناپذیر کرده است.

جنبش دانش‌آموزی در اعتراضات سال گذشته، فعالیت درخشانی داشت و پس از نزدیک به چهار و نیم دهه سلطه فراگیر جمهوری اسلامی بر مدارس کشور، نسل جدید نوجوانان توانستند در جریان اعتراضات جنبش «زن، زندگی، آزادی»، این سلطه را شکسته و بخشی از بار اعتراضات علیه حکومت را پیش بردند.

در شرایطی که بسیاری از آموزگاران سال‌هاست در ایران با فشارهای مختلف امنیتی و قضایی و حراستی روبه‌رو هستند اما فعال شدن جنبش دانش‌آموزی در اعتراضات سال گذشته، سبب حساسیت بیش‌تر نهادهای امنیتی و آموزش و پرورش بر آموزگاران شد.

طی یک سال گذشته صدها آموزگار بازداشت و احضار شدند، شمار زیادی از آموزگاران با احکام قضایی روبه‌رو شدند و در ماه‌های گذشته نیز موج سرکوب با اخراج، تعلیق و بازنشستگی اجباری ادامه یافته است.

در هفته‌های گذشته فعالان و تشکل‌های مستقل آموزگاران از تشدید فضای امنیتی و قضایی علیه آموزگاران خبر می‌دهند و فهرستی از ده‌ها آموزگار فعال صنفی را که از قانون رتبه‌بندی محروم شده‌اند منتشر کردند.

روزنامه «هم‌میهن» نیز پیش‌تر در گزارشی به سرکوب آموزگاران که فعالیت صنفی دارند پرداخته و نوشته که حدود ۸۰ نفر از معلمان در یک سال گذشته و بعد از آغاز اعتراض‌های شهریورماه ۱۴۰۱ از رتبه‌بندی محروم شدند.

این گزارش، همچنین با اشاره به اخراج و بازنشستگی اجباری شماری از آموزگاران نوشته که مهرماه امسال برای تعداد دیگری از معلمان، آغاز فصل جدید کارشان نیست و گروهی دیگر هم زودتر از موعد باید از کلاس درس برای همیشه خداحافظی کنند.

جدا از تغییرات گسترده در کادر آموزشی مدارس و حذف شمار زیادی از آموزگاران، برنامه‌های جدیدی برای شستشوی مغزی دانش‌آموزان نیز در دستور کار حکومت قرار دارد. میکائیل باقری مدیر کل قرآن آموزش و پرورش نیز به تازگی از برگزاری اجباری نماز جماعت در مدارس ابتدایی خبر داده و گفته مدیران مدارس باید برای نماز جماعت آموزش ببینند.

میکائیل باقری افزوده مدیران مدارس باید «مصحح نماز» تعیین کنند تا دانش‌آموزان برای تصحیح نمازشان فایل صوتی آن را در سایت «نورینو» بارگذاری کنند.

این‌همه در حالی‌ست که برنامه سرکوب و محدودسازی در مدارس از همان سال گذشته در دستور کار آموزش و پرورش قرار گرفته بود. یوسف نوری، وزیر وقت آموزش و پرورش، سال گذشته، گفته بود که طبق دستور علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، محتوای ۲۰۰ کتاب درسی تغییر می‌کند.

همچنین برنامه گسترده‌ای برای استخدام طلاب و بسیجی‌ها در آموزش و پرورش و احتمال در راستای طرح «تحول بنیادین آموزش و پرورش» در حال اجرا است.

یک هفته پیش رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش از صدور مجوز جذب ۱۱ هزار معلم پرورشی برای مهرماه خبر داده بود. طی سال‌های گذشته در چند مرحله هزاران طلبه جذب آموزش و پرورش شده‌اند.



بخشنامه آموزش و پرورش

آموزش و پرورش بخشنامه‌ای در زمینه حجاب اجباری «ویژه کارمندان، مراجعان، معلمان، دانش‌آموزان و اولیاء» در اوایل مهرماه به مدارس ابلاغ کرده است

محمدحسین پورثانی، مدیرکل فرهنگی هنری، اردوها و فضای پرورشی روز دوشنبه ۱۵ آبان‌ماه در جلسه ستاد عفاف و حجاب گفت آموزش و پرورش قصد دارد با پخش برنامه تلویزیونی، اجرای اردوهای ۲۴ ساعته، «تربیت مربی زیست عفیفانه» و طرح‌های تشویقی، حجاب را در میان دانش‌آموزان ترویج کند.

پورثانی، همچنین از تشکیل «هیأت اندیشه‌ورزی» در وزارت آموزش و پرورش با اولویت ترویج حجاب در مدارس متوسطه خبر داد.

او اعلام کرد که بخشنامه‌ای در این زمینه «ویژه کارمندان، مراجعان، معلمان، دانش‌آموزان و اولیاء» در اوایل مهر به همه مدارس کشور ابلاغ شده است.

وزارت آموزش و پرورش روز ۱۴ فروردین نیز با انتشار بیانیه‌ای نوشت: «بر اساس قوانین و مقررات از ارائه خدمات آموزشی به معدود دانش‌آموزانی که قوانین و مقررات پوششی در مدارس را رعایت ننمایند، معذور خواهد بود.»

از آغاز اعتراضات اخیر در ایران که در واکنش به جان باختن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد تهران رخ داد، شمار زنان و دخترانی که تن به حجاب اجباری نمی‌دهند، در شهرهای مختلف بسیار افزایش یافته است.

مدارس غیراستاندارد و غیرایمن

سخن‌گوی آموزش و پرورش، فرسودگی کلاس‌های درس را منکر نشد و گفت که سالانه ۲۰ تا ۳۰ هزار کلاس درس باید تخریب، نوسازی و مقاوم‌سازی شوند اما ادعا کرد که نوسازی کلاس‌های درس با «مولدسازی، همراهی خیرین و اختصاص بودجه» امکان‌پذیر است.

پیش‌تر حمیدرضا خان‌محمدی، رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس نیز گفته بود که ۱۰۴ هزار کلاس درس در کشور وجود دارند که باید تخریب، مقاوم‌سازی و بازسازی شوند و چنانچه قرار باشد این کار با اعتبارهای دولتی انجام شود، حدود ۵۰ سال طول می‌کشد، او نیز مدعی شد که این مشکل را باید با کمک خیرین حل کرد.

تعلل در نوسازی مدارس فرسوده در حالی است که به گفته ناصر قفلی، رئیس جامعه خیرین مدرسه‌ساز، بیش از سه میلیون دانش‌آموز ایرانی در کلاس‌های خطرآفرین درس می‌خوانند و دولت ۵۰ درصد سهم خود را برای نوسازی مدارس پرداخت نمی‌کند.

مرکز پژوهش‌های مجلس نیز به‌تازگی در گزارشی اعلام کرد که بیش از پنج هزار مدرسه در ایران سرویس بهداشتی ندارند. همچنین از مجموع حدود ۱۰۷ هزار مدرسه در کل کشور، بیش از هفت هزار مدرسه یعنی بالغ بر ۱۱ درصد آن‌ها، آب لوله‌کشی شهری و روستایی ندارند.

بر مبنای این گزارش، بالغ بر ۱۵ هزار مدرسه نیز آب‌خوری مجزا از روشویی ندارند و نزدیک به ۱۲ هزار مدرسه نیز فاقد سیستم دفع بهداشتی فاضلاب‌اند. به این موارد باید آمار تکان‌دهنده کودکانی که در پی فقر محروم از تحصیل می‌شوند یا به دلیل نبود فضای آموزشی ترک تحصیل می‌کنند را نیز اضافه کرد.

در سال ۱۳۹۵، ماشاءالله قاسمی مدیرکل نوسازی مدارس هرمزگان، گفته بود: «۷۰ هزار نفر از دانش‌آموزان هرمزگان در مدارس نایمن تحصیل می‌کنند.» وی در خبرگزاری ایسنا گفته بود: «سه هزار و ۶۰۰ میلیارد ریال برای ایمن‌سازی مدارس استان هرمزگان نیاز داریم و یک هزار و ۸۰۰ کلاس درس باید ایمن شوند.»

در سال ۱۴۰۱، سیدفخرالدین هاشمی مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس هرمزگان نیز گفته است: اکنون ۳۵۳ مدرسه غیراستاندارد و نایمن در قالب ۲ هزار کلاس درس در استان هرمزگان وجود دارند که برای استانداردسازی این فضاهای آموزشی ۲۰ هزار میلیارد ریال اعتبار نیاز است.

همچنین «محمد قویدل» مدیرکل فعلی آموزش و پرورش هرمزگان نیز در خصوص میزان کمبود معلم در استان و فاصله‌اش تا رسیدن به استانداردها اظهار داشته است: «گرچه در سال‌های اخیر بخشی از کمبود معلم در استان برطرف شده است، اما همچنان چهار هزار معلم در استان کمبود وجود دارد و هر سال تعدادی معلم نیز بازنشسته می‌شوند.» در تازمترین اظهارنظر رضا مراد صحرایی سرپرست وزارت آموزش و پرورش که در خطبه‌های نماز جمعه تهران نیز بوده است گفته:

«امروز در شرایطی هستیم که نزدیک به ۵۰ هزار مدرسه، معاون پرورشی ندارند و باید در اولویت کارهایمان به آن توجه کنیم. آن‌قدر که روی آموزش ایستادیم، روی پرورش نایستادیم.»



آمار عجیب از مدارس آسیب‌دیده زلزله خوی

بنا بر اعلام معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی مدارس کشور، از میان ۱۸ مدرسه‌ای که بر اثر زلزله خوی تخریب کامل شده بود، ۴ مدرسه ساخته و تحویل شده است و باقی پروژه‌ها نیز تا مهر ۱۴۰۳ تحویل می‌شوند.

ایسنا، ۱۵ آبان ۱۴۰۲، نوشت: مجید عبداللہی با بیان این‌که از ۸۰۰ مدرسه‌ای که در زلزله خوی تحت تاثیر قرار گرفته بودند، ۸۸ مدرسه آسیب دیده بودند، اظهار کرد: در زلزله خوی نزدیک ۸۰۰ مدرسه تحت تاثیر قرار گرفته بودند؛ یعنی ۸۰۰ مدرسه بر اثر زلزله تکان خورده بودند اما ۸۸ مدرسه در کانون اصلی زلزله آسیب دیده بودند. او یادآور شد: از ۸۸ مدرسه آسیب‌دیده ۳۵ مدرسه نیازمند تعمیرات جزئی بودند که تعمیرات جزئی این ۳۵ مدرسه را همان زمان در کمتر از یک ماه انجام دادیم و بچه‌ها سر کلاس درس رفتند. حدود ۱۳ الی ۱۴ مدرسه از ۸۸ مدرسه نیز نیازمند تعمیرات اساسی بودند. قول داده بودیم تعمیر این تعداد مدرسه را تا اسفند ماه انجام دهیم اما تا ۱۴ فروردین ۱۴۰۲ تعمیرات انجام شد و این مدارس نیز مورد استفاده قرار گرفت.

۸ مدرسه در زلزله خوی به‌طور کامل تخریب شدند.

معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی مدارس کشور، با بیان این‌که ۸ مدرسه خوی بر اثر زلزله به طور کامل تخریب شده بودند، عنوان کرد: علاوه بر این ۸ مدرسه که به‌طور کامل تخریب شده بودند، ۱۰ مدرسه نیز آسیب دیده بودند اما چون از قبل کد تخریب گرفته بودند، ما این ۱۰ مدرسه را نیز در کنار آن ۸ مدرسه تخریب شده در لیست ساخت مدرسه قرار دادیم. بنابراین باید ۱۸ مدرسه ساخته می‌شدند.

به‌گفته عبداللہی، از این ۱۸ مدرسه خوی که در لیست ساخت قرار داشتند، ۴ مدرسه ساخته و تحویل داده شده است. او ادامه داد: برای ساخت این چهار مدرسه ۱۲۰ میلیارد تومان، دولت از محل منابع ماده ۱۶ و ۱۷ قانون مدیریت بحران تامین کرد و تعدادی از خیرین نیز معادل همین رقم کمک کردند. با توجه به پیشرفت فیزیکی پروژه‌های در دست اجرای ساخت باقی این مدارس، به نظر می‌آید تا مهر ۱۴۰۳ بخش عمده این مدارس تحویل داده می‌شوند. البته بحث‌های منابع مالی هم مهم است، اما سعی می‌کنیم که تحویل این پروژه‌ها را به منابع مالی گره نزنیم.

کنترل مدارس توسط حوزه‌های علمیه

برنامه جمهوری اسلامی برای تسخیر مدارس آن‌چنان گسترده است که حوزه حتی به فکر تاسیس پیش‌دبستانی هم افتاده است. دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش در آبان ۱۳۹۹ از راه‌اندازی «پیش‌دبستانی وابسته به حوزه» خبر داد که «مدیریت و برنامه‌های آن‌ها توسط حوزه علمیه بر اساس چارچوب و ضوابط و قوانین آموزش و پرورش تنظیم می‌شود.»

مدیر حوزه‌های علمیه خواهران در تیرماه پارسال گفت که «فرصت اندک است و طلاب را باید سریع‌تر آماده کرد.» او افزود که «با یک دوره یک‌ساله یا حداکثر دوساله می‌توان طلاب را برای حضور در آموزش و پرورش آماده کرد»؛ هرچند برخی دیگر از روحانیون بر این باورند که طلبه به خودی خود معلم است و نیازی به همان دوره‌های یک یا دوساله هم نیست.

به این ترتیب، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های در دست اجرای جمهوری اسلامی کنترل مدارس توسط حوزه‌های علمیه است؛ برنامه‌ای شامل استخدام و گسیل هزاران طلبه به مدارس سراسر کشور، بازنگری در کتاب‌های درسی، افزایش سهم طلبه‌ها در تدریس به‌جای معلمان و حتی راه‌اندازی «پیش‌دبستانی» زیر نظر حوزه.

بر اساس همکاری وزارت آموزش و پرورش با حوزه‌های علمیه و مصوبه‌ای از مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۵، قرار است تا «۲۵ هزار طلبه زن و مرد» در نظام آموزشی کشور استخدام شوند. این وزارتخانه در اردیبهشت سال گذشته رسماً اعلام کرد که هدف از اجرای این تصمیم، «اسلامی کردن مدارس» است.

همچنین مسئولان حوزه، با استناد به مصوبه‌ای از شورای عالی انقلاب فرهنگی، می‌گویند که «۱۰ درصد از کل استخدام‌ها در آموزش و پرورش باید از میان طلبه‌ها باشد».

راه استخدام طلبه‌ها در مدارس مشخصاً از طریق بند ۲۸ اساسنامه دانشگاه فرهنگیان هموار شده است. این بند با هدف «جبران کسری معلم» می‌گوید که فارغ‌التحصیلان حوزه دارای کارت پایان خدمت می‌توانند تنها با گذراندن یک آزمون، در بدنه نظام آموزشی کشور جذب شوند. طبق این بند، سطح دو و سه حوزه معادل مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاهی طبقه‌بندی شده است. تنها در سال تحصیلی گذشته، ۴۴۰ طلبه به‌عنوان معلم استخدام شده‌اند، حوزه اما رسماً گفته که از این میزان استخدام «راضی» نیست.

البته استخدام رسمی تنها راه ورود طلبه‌ها به مدارس نیست؛ راه آسان‌تر، گذراندن خدمت سربازی در مدارس است. ۱۷ خرداد سال گذشته وزارت آموزش و پرورش در بخشنامه‌ای به شماره ۷۱۰/۱۲ به استان‌ها ابلاغ و تاکید کرد که طلبه‌ها همچون «سنات گذشته» می‌توانند خدمت سربازی خود را در مدارس استان‌های سراسر کشور بگذرانند. دارا بودن توانایی جسمی و کد فعال در مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه و همچنین ملبس بودن به لباس روحانیت از جمله شروط این «طلبه‌سرباز»ها اعلام شد.

بر اساس آمارهای رسمی، در سال تحصیلی جاری «دو هزار طلبه‌سرباز» وارد مدارس شده‌اند. ورود هزاران طلبه به مدارس از طریق نهادهای مختلف جمهوری اسلامی به‌شدت پیگیری می‌شود. از جمله ۲۹ عضو مجلس شورای اسلامی در دی‌ماه پارسال، با ارائه طرحی، نه تنها خواستار تسریع و تسهیل حضور طلبه‌سربازها در مدارس شدند بلکه درخواست کردند که کل حقوق و مزایای این طلبه‌ها در مدت این دو سال نیز توسط آموزش و پرورش پرداخت شود.

این‌همه در حالی است که خود این وزارتخانه با کسری شدید بودجه مواجه است و معلمان ایرانی به‌تناوب در اعتراض به مشکلات معیشتی و حقوق ناکافی خود تجمع و اعتراض می‌کنند.

بررسی اخبار و فعالیت حوزه‌های علمیه در سال‌های اخیر حاکی از آن است که دولت به‌گونه‌ای مشخص تصمیم دارند حوزویان را در نقش معلم وارد مدارس کند و بدین منظور مرکزی جداگانه در دل حوزه‌ها تشکیل شده است؛ یعنی «مرکز تربیت معلم حوزه‌های علمیه» که در ۲۰ اسفند ۱۳۹۷ به تصویب رسید همه امور مربوط به ورود طلاب به مدارس را سازماندهی کند.

یکی از این امور تعریف رشته‌های جدید در حوزه معطوف به مدارس است. به‌گفته دبیر ستاد همکاری حوزه‌های علمیه و آموزش و پرورش، در حوزه‌های علمیه «حدود چهارصد رشته» جدید عمدتاً در زمینه تعلیم و تربیت تعریف شده که بیش از دویست رشته آن فعال است. مقام‌های این ستاد بارها صراحتاً گفته‌اند که «آموزش و پرورش نزدیکترین عرصه برای فعالیت طلاب است».

صحبت از «هزاران طلبه» است. در سال تحصیلی گذشته برای «بیش از ۱۲ هزار طلبه» فرصت شرکت در آزمون استخدامی آموزش و پرورش فراهم و رسماً اعلام شد که امکان به‌کارگیری «حدود سه هزار روحانی» برای تدریس در مدارس آموزش و پرورش فراهم شده است و این رقم در سال‌های بعدی افزایش خواهد یافت. این در حالی است که بر اساس آمارهای رسمی مربوط به سال تحصیلی گذشته، دست‌کم ۴۵۰۰ «معلم رسمی» در آموزش و پرورش دارای مدرکی از حوزه‌های علمیه هستند.

از جمله زمینه حضور حداکثری و گسترده‌تر روحانیون در مدارس فراهم شود طرحی به نام «طرح بوم» است. بر اساس این طرح، دو ساعت از برنامه هفته در اختیار مدیر مدرسه قرار می‌گیرد و مقام‌های حوزه می‌گویند که در شماری از استان‌ها، از «طرح بوم» برای موضوع‌هایی همچون «اثرگذاری روحانیون در مدارس» استفاده می‌کنند.

طلبه‌ها همچنین سال‌هاست که در قالب طرح‌هایی همچون «هفته تربیت اسلامی» به مدارس فرستاده می‌شوند. در کنار همه این طرح‌ها، دوره‌های آموزشی فراوانی نیز به بهانه «پاسخ به شبهه‌های مذهبی»، «ترویج اقتصاد مقاومتی»، «فرهنگ ایثار و شهادت»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «ولایت‌پذیری» و «ترویج گفت‌وگو دینی» توسط روحانیون در مدارس برگزار می‌شود.

دانش‌آموزان تنها هدف حوزویان نیستند؛ بخشی از طرح‌های حوزه حتی برای پدر و مادرهاست. مقام‌های حوزه می‌گویند که تنها در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸، حدود بیست هزار دوره آموزشی کوتاه‌مدت برای اولیای دانش‌آموزان با موضوع «حجاب و سبک زندگی اسلامی» برگزار شده است. در همه این دوره‌ها، طلبه‌ها به‌عنوان «مبلغ» حضور دارند.

طرح اصلی و قدیمی‌تر حوزه اما «امین» نام دارد که از طریق آن طلبه‌ها عمدتاً به بهانه تدریس «دروس پرورشی» به مدارس سراسر کشور وارد شدند.

بدین منظور لازم بود ظرفیت لازم برای این‌همه طلبه در ساختار آموزشی کشور فراهم شود. در این راستا، مهرماه سال ۱۳۹۸ رسماً اعلام شد که آزمون‌های استخدامی «طلاب خواهر و برادر» در آموزش و پرورش، از سه رشته به هشت رشته افزایش یافته است. دبیری تاریخ، فلسفه، ادبیات فارسی و علوم اجتماعی از جمله رشته‌های جدید برای طلاب معرفی شده است. پیش از این، طلاب عمدتاً در رشته‌های زبان عربی، قرآن و علوم تربیتی جذب آموزش و پرورش می‌شدند.



این البته پایان ماجرا نیست، چون حوزه ضمانت هم می‌خواهد. در مهرماه سال ۱۴۰۰ یک دوره موسوم به «آمادگی آزمون استخدامی طلاب در آموزش و پرورش» برگزار شد تا خیال حوزویان از «حضور موفق طلاب در این آزمون» راحت شود.

از جمله، مقام‌های حوزه می‌گویند که مرکز پژوهشی تعلیم ویژه همکاری حوزه و مدارس، هیئت‌های اندیشه‌ورز، مجلات متعدد برای تعریف «معلم و دانش‌آموز تراز انقلاب» و کرسی‌های نظریه‌پردازی فراوانی را پیش‌بینی و راه‌اندازی کرده‌اند؛ سفره‌ای جدید که پهن شد.

مسئول مرکز تربیت مبلغ-معلم حوزه‌های علمیه در آذرماه سال ۱۴۰۰ گفت که در سال‌های اخیر بسترسازی‌های مناسبی برای حضور طلاب در مدارس فراهم شده و هم‌اکنون نیز «معاونت‌های مختلف حوزه» مشغول تدارک بیش‌تری هستند.

در مراکز متعددی که با هدف حضور طلاب در مدارس راه‌اندازی شده، پروژه‌های ریز و درشت فراوانی تعریف شده است. مقام‌های حوزه در شهریور پارسال از تشکیل «۱۲ کلان‌پروژه بزرگ» و «چندین گروه پژوهشی جدید» در مرکز تربیت معلم-مبلغ حوزه علمیه قم خبر دادند و گفتند که قرار است «پنجاه پژوهش‌گر» جذب این پروژه‌ها شوند. انتشار مجله‌های «تربیت معلم تراز» و «آموزش و پرورش و تربیت متعالی» از دیگر فعالیت‌ها در چنین دکان‌هایی است.

به‌گفته مقام‌های حوزه، در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ در سراسر کشور «بیش از هشت هزار نشست» درباره ضرورت حضور طلاب در مدارس برگزار شده است. آن‌ها همچنین در تابستانی که گذشت وعده دادند که «به‌زودی پنج رشته تخصصی تربیت معلم-طلبه راه‌اندازی می‌شود».

واضح‌تر از همه این‌ها، مدیر مرکز تربیت معلم-مبلغ حوزه‌های علمیه در خرداد ۱۴۰۰، رسماً و علناً از مجلس شورای اسلامی و دولت خواست تا به‌طور مشخص «ردیف بودجه جداگانه‌ای برای این مرکز در نظر گرفته شود».

از جمله در سال ۱۳۹۴ در قالب طرح موسوم به «مبین» رقمی نزدیک به دو میلیارد تومان هزینه شد تا شماری از مدیران دبیرستان‌ها درباره نماز آموزش ببینند. بهای دلار در این سال زیر چهار هزار تومان بود.

برنامه وسیع حوزه برای نظام آموزشی کشور، مستقیماً زیر نظر شخص رهبر جمهوری اسلامی با کارگزاری علیرضا اعرافی، رئیس حوزه‌های علمیه کشور، اجرا می‌شود. اعرافی هر از گاهی البته آماری از توفیق‌های خود ارائه می‌دهد. او از جمله به‌تازگی در سمنان از جذب ۴۵۰۰ طلبه به آموزش و پرورش خبر داد و گفت که «۶۰ درصد آن‌ها طلاب خواهر هستند». اعرافی از این طلبه-معلم‌های جدید خواست تا «عرصه‌های نو را فتح کنند».

از لحاظ تشکیلاتی و اجرایی، طرح‌های مربوط به حضور طلاب در مدارس توسط نماینده ولی‌فقیه در استان‌ها، امام جمعه، مدیرکل آموزش و پرورش، مدیران حوزه‌های علمیه، سازمان اوقاف و سازمان تبلیغات اسلامی اجرا می‌شود.

در همین حال، رسانه‌های زیر نظر خامنه‌ای، از جمله روزنامه کیهان در شماره روز ۱۰ آذر ۱۴۰۰ مشخصاً خواستار آن شده بود که «یک طلبه برادر یا خواهر در هر مدرسه» حضور داشته باشد و این موضوع تبدیل به «قانون» شود.

استخدام طلبه‌ها در آموزش و پرورش به پیش از آغاز به کار دولت رئیسی بر می‌گردد. محسن حاجی بابایی وزیر آموزش و پرورش دولت حسن روحانی سال گذشته اعلام کرده بود که «این امکان فراهم شده تا برای بهره‌گیری از ظرفیت حوزه‌های علمیه برادران و خواهران، طلاب بتوانند در ۸ رشته آزمون استخدامی شرکت کنند و پس از شرکت در دوره یک‌ساله، به‌کارگیری شوند(به کار گرفته شوند)».

وزیر آموزش و پرورش دولت روحانی، گفته بود این اقدام در راستای تأکید علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بر اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش صورت گرفته است.

در چهار دهه گذشته طلاب و روحانیون به‌عنوان امام جماعت و معلم پرورشی در مدارس ایران جاسازی شدند اما جمهوری اسلامی بر اساس طرح «مبلغ معلم» از سال ۹۷ راه ورود طلاب به مدارس کشور را به عنوان «آموزگار» بیش‌تر هموار کرد.

«مرکز تربیت مبلغ معلم» حوزه‌های علمیه در تاریخ ۲۰ اسفندماه ۱۳۹۷ در بیست و سومین جلسه هیئت امناء دانشگاه فرهنگیان مطرح و به عنوان مرکز وابسته دانشگاه فرهنگیان با اهداف زیر تصویب شد.

همان‌طور که از نام طرح «مبلغ معلم» نیز مشخص است جمهوری اسلامی به‌جز آن‌که به دنبال اشتغالزایی برای طلبه‌ها و روحانیونی است که هیچ تخصص اجرایی و مفیدی برای کشور ندارند، به‌دنبال تبلیغ آرمان‌های فرقه‌ای و مذهبی نظام و شستشوی مغزی دانش‌آموزان است.

در همین رابطه روزنامه کیهان تهران آذرماه سال گذشته، با طرح این سؤال که «چرا برخی از دختران دانش‌آموز بعد از ۱۲ سال تحصیل با ابتدایی‌ترین موارد فلسفه حجاب بیگانه‌اند» نوشت باید استفاده از خیل انبوه روحانیون در مدارس در دستور کار باشد و استقرار یک طلبه برادر یا خواهر در هر مدرسه در مجلس تبدیل به قانون شود!»، حالا مجلس شورای اسلامی و دولت «قاضی مرگ» در حال اجرای دستور کیهان تهران به‌عنوان «ارگان بیت رهبری» هستند.

به گزارش خبرگزاری فارس از دامغان، ۱۴۰۲/۰۳/۰۲، حجت‌الاسلام والمسلمین حمید نیکزاد، مشاور وزیر آموزش و پرورش و دبیر ستاد کمیته همکاری حوزه علمیه و آموزش و پرورش کشور صبح امروز در مراسمی که در اردوگاه ملی شهید صدوقی چشمه‌علی شهرستان دامغان برگزار شد، اظهار کرد: توانمندسازی طلبه‌ها در اجرای موفق طرح امین در مدرسه‌های کشور پیگیری می‌شود.

او، ادعا کرد: نظرسنجی از رضایت‌مندی از اجرای طرح امین در مدرسه‌ها در حال اجراست و در برخی شهرها، نتیجه نظرسنجی نشان از رضایت اجرای موفق این طرح است.

مشاور وزیر آموزش و پرورش با اشاره به «نقش موثر حوزه علمیه در هویت‌سازی جامعه»، تصریح کرد: «دانشگاه‌ها در بخش هویت‌سازی باید بیش از پیش نقش‌آفرینی کنند».

نیکزاد افزود: «مبلغان در ترویج فرهنگ اسلامی در مدرسه‌های شبانه‌روزی اهتمام ویژه داشته باشند».

او در ادامه گفت: «امسال مجوز جذب ۲۸ هزار آموزگار گرفته شد که از این تعداد، جذب ۲۴ هزار معلم در مدرسه‌های دولتی و چهار هزار معلم در بخش استثنایی برنامه‌ریزی شده است».

دبیر ستاد کمیته همکاری حوزه علمیه و آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، یادآور شد: «۵۳۰ هزار نفر در این دوره از آزمون استخدامی آموزش و پرورش برای شغل آموزگاری ثبت‌نام کردند که آگاهی به مبانی انقلاب اسلامی در بخش منابع عمومی از مقدمات جذب است».

دبیر ستاد کمیته همکاری حوزه علمیه و آموزش و پرورش، گفت: «باید به سمتی برویم تا دشمنان از اثرگذاری روی آموزش و پرورش قطع امید کنند و برای تحقق این راهبرد باید تعلیم و تربیت بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد».

استخدام بیش از پیش طلاب حوزوی در آموزش و پرورش و به‌طور مشخص «مدارس» و به‌عنوان «معلم» پس از گذشت ۴۴ سال از عمر نکت‌بار جمهوری اسلامی، حرکتی از سر عجز و ناتوانی شکست است نه قدرت!

در جهان امروز مشاغل، علوم و دانش‌های موجود در جهان به‌سوی «تخصصی» شدن پیش می‌روند و هر کدام جایگاه جداگانه و مستقل خود را دارند.

این یک امر بدیهی و مسلم در جهان است که کشیش برای کلیسا و راهب بودایی برای معبد و خاخام برای کنیسه و آخوند برای مسجد تربیت می‌شوند. بنابراین، اگر کسی از این روحانیون مذهبی بخواهد وارد مدرسه یا شغل دیگری گردد ابتدا لازم است از موقعیت موجود خود خارج شود و دوباره در زمینه مورد نظر خود تحصیل کرده و تلاش نماید.

چرا که او هیچ‌گاه نمی‌تواند به‌عنوان راهب، بودایی، کشیش و آخوند در مدرسه مشغول به کار شود.



اعتراضات دانش‌آموزان در جنبش «ژن، زندگی، آزادی»

هزاران آموزگار با قراردادهای موقت حق‌التدریس در انتظار استخدام در آموزش و پرورش هستند

در شرایطی که هزاران آموزگار با قراردادهای موقت حق‌التدریس در انتظار استخدام در آموزش و پرورش هستند، این وزارتخانه افراد دیگری را استخدام کرده که جزو آموزگاران نیستند. پیش از این خبرهایی درباره به کار گرفتن طلبه‌ها در آموزش و پرورش منتشر شده بود.

وبسایت رویداد۲۴، اسفند ۱۴۰۰، گزارش داده که آموزش و پرورش چندهزار نفر را که آموزشیاران نهضت سوادآموزی، روحانیون و طلبه‌های حوزه علمیه، خانواده‌های «ایثارگر» و حتی تعدادی با هویت مبهم را به جای آموزگاران حق‌التدریس در دستور کار قرار داده است.

بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی، آموزش و پرورش موظف است نخست از آموزگاران حق‌التدریس برای استخدام استفاده کند اما در یک اقدام غیرقانونی بخشی از ظرفیت استخدامی این وزارتخانه به افرادی غیرمرتبط و غیرمتخصص تعلق گرفته است.

در آن سال گفته شده که حال حاضر، ۸۸ هزار آموزگار حق‌التدریسی دوره مهارت‌آموزی را گذرانده‌اند و امتحان جامع داده و قبول شده‌اند. بر اساس قوانین، آموزش و پرورش باید این آموزگاران را استخدام کند اما همچنان این افراد در انتظار استخدام هستند و بارها تجمعات اعتراضی برگزار کرده‌اند.

بر اساس قانون تبصره ۱۰ ماده ۱۷ با هدف جبران کمبود نیروی آموزشی، این وزارتخانه باید چندهزار نیروی حق‌التدریس را که سابقه همکاری با آموزش و پرورش را دارند پس از گذراندن دوره های آموزشی در دانشگاه فرهنگیان تعیین تکلیف و استخدام کند.

بر اساس این قانون قرار بود طی دو مرحله تعدادی از آموزگاران حق‌التدریس به استخدام آموزش و پرورش درآمده و در مرحله سوم یعنی دی‌ماه امسال نیز مراحل استخدام ۱۲ هزار و ۸۰۰ نفر از آنها انجام شود، اما این تاریخ به بهمن‌ماه موکول و پس از پایان بهمن نیز به این وعده عمل نشد.

آموزگاران معترض به خبرگزاری ایلنا گفته بودند که «مهلت اجرای برنامه ششم توسعه رو به پایان است و از آنجا که طبق مصوبه مجلس، استخدام معلمان حق‌التدریسی تا پایان برنامه ششم باید انجام شود، چنانچه ما تا پایان این برنامه حکم استخدامی خود را دریافت نکنیم دیگر برای گرفتن حکم دچار مشکل خواهیم شد و باید مسیر سال‌ها پیموده را مجدد طی کنیم.»

به گفته این آموزگاران، وزارت آموزش و پرورش آن‌ها را به امور استخدامی ارجاع می‌دهد و امور استخدامی نیز کار را به وزارت آموزش و پرورش ارجاع می‌دهد.

یک آموزگار: ما اجازه نمی‌دیم کسی غیر از معلم وارد آموزش و پرورش بشه؛ همان‌طور که ما وارد حوزه نمی‌شیم! اکنون مشخص شده که وزارت آموزش و پرورش در اقدامی عجیب و غیرقانونی بجای استخدام این آموزگاران اقدام به استخدام شماری از روحانیون، طلبه‌ها، اعضای خانواده‌ایثارگران و آموزشیاران نهضت سوادآموزی کرده است. در گزارش «رویداد ۲۴» در این باره آمده که «مانع‌تراشی و ایجاد وقفه در استخدام گروه سوم در حالی‌ست که آموزش و پرورش به کارگیری چند هزار نفر دیگر که گفته می‌شود شامل برخی از آموزشیاران نهضت سوادآموزی، روحانیون و تحصیل کرده‌های حوزه علمیه، خانواده‌های ایثارگر و برخی دیگر با هویت مبهم را در قالب گروه چهار و پنج در دستور کار قرار داده که همین موضوع حرف و حدیث‌های بسیاری را به دنبال داشته و سوالات زیادی را ایجاد کرده است.»

این گزارش افزوده که «سؤال عمده حق‌التدریسی‌های معترض آن است که چرا در حالی که گروه‌های اول و دوم بلافاصله به استخدام آموزش و پرورش درآمده‌اند، گروه سوم همچنان بلاتکلیف هستند و علت این تبعیض چیست؟ سؤال دیگر این گروه آن است در حالی که گروه سوم همچنان در انتظار استخدام و بلاتکلیف هستند تشکیل پرونده برای چند هزار نفر دیگر به سرعت و در قالب گروه ۴ و ۵ چه معنایی دارد؟»

ترک تحصیل و بازماندگان از تحصیل

آمار ترک تحصیل در ایران رو به افزایش بوده است. بازماندن از تحصیل که اصلی‌ترین عامل آن فقر و مشکلات اقتصادی است، در میان دختران و حتی دختران دبستانی بیشتر است.

بر اساس جدیدترین آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران ۵۵۶ هزار دانش‌آموز قبل از ورود به مقطع دبیرستان، به دلایلی که اصلی‌ترین آن فقر و محرومیت عنوان شده ناچار به «ترک تحصیل» شده‌اند.

این آمار نشان می‌دهد در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بیش از ۵۵۶ هزار کودک در سن ۱۵ تا ۱۷ سال از تحصیل بازماندند که ۲۹۵ هزار تن، پسر و ۲۶۱ هزار تن، دختر هستند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز همراه امسال در گزارشی تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ را ۹۱۱ هزار و تعداد دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده را ۲۷۹ هزار تن اعلام کرد.

بنا بر این گزارش اگر چه میزان ترک تحصیل در یک دهه اخیر در دوره متوسطه دوم حدود ۲۲ درصد کاهش یافته اما در عوض میزان ترک تحصیل در دوره ابتدایی حدود ۲۰ درصد و در دوره متوسط اول حدود ۵۰ درصد بیش‌تر شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه میزان بازماندن از تحصیل با سطح رفاه خانواده‌ها ارتباط مستقیم دارد، اعلام کرده که بیش‌ترین میزان بازماندگی از تحصیل و ترک تحصیل در پنج استان سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، خراسان رضوی، خراسان شمالی و گلستان بوده است. در استان سیستان و بلوچستان حدود ۱۸ درصد از دانش‌آموزان از تحصیل بازمانده‌اند.

انجمن صنفی معلمان استان فارس نیز روز اول مهر در پیامی با عنوان «مهرماه و جاماندگان از مهر»، نوشته بود: بازگشایی مدارس را در حالی آغاز می‌کنیم که «چندین هزار کودک به دلایل مختلف از تحصیل بازمانده‌اند و کودکان کار به عنوان «قربانیان کوچک فقر»، از جمله آثار این بازماندگان از تحصیل هستند.

روزنامه «خراسان» روز شنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۲، در گزارشی، با عنوان «هولناک مثل آمار ترک تحصیل» با اشاره به آمار اعلام شده از سوی معاون آموزش و پرورش نوشته که «روی دیگر آمار جاماندگان از تحصیل در مقطع ابتدایی، آمارهای دیگری است که در این زمینه وجود دارد؛ آمارهایی با اعداد و ارقامی هولناک که به معنای واقعی کلمه، لرزه به اندام هر ایرانی دلسوز می‌اندازد.»

ترک تحصیل به دلیل فقر از مدارس به آموزش عالی نیز کشیده شده است. روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز در گزارشی با عنوان «دانشگاه در محاصره فقر» به کاهش آمار ورود به دانشگاه‌ها به دلیل فقر اشاره کرده و نوشته که «دانشگاه زمانی امید بسیاری از مردم از طبقه فرودست تا طبقه متوسط بود برای ارتقای زندگی و رسیدن به چشم‌اندازی روشن. اکنون پس از چهاردهه آموزش عالی دچار چالش جدی شده است. نازمترین آمار وزارت آموزش و پرورش نشان می‌دهد، حدود یک میلیون دانش‌آموز حتی فرم شرکت در کنکور را دریافت نمی‌کنند.»

رضا نقی‌زاده مدیر کل برنامه‌ریزی آموزش عالی، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» کاهش تقاضا برای ورود به دانشگاه به دلایلی از جمله فقر را رد کرده و گفته که «ما با کاهش روبه‌رو نبوده‌ایم. هر کسی که دیپلم گرفته در کنکور شرکت کرده است. کاهش شرکت‌کنندگان کنکور ربط مستقیم به جمعیت دانش‌آموزی کشور دارد.»

روزنامه «دنیای اقتصاد» اما با استناد به آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان داده که «فقر» سبب کاهش تعداد دانش‌آموزان و افزایش «ترک تحصیل» در کشور شده و به همین دلیل، تعداد دانش‌آموزان نیز کاهش یافته است. عبدالرسول عمادی، رئیس سابق مرکز سنجش وزارت آموزش و پرورش، کم‌شدن شرکت‌کنندگان آموزش عالی را ریشه در شرایط و بحران‌های اقتصادی و تحریم‌ها و فقر می‌داند. ریشه‌هایی که بررسی آنها ضروری است، چرا که آینده ایران در گرو تصمیم‌گیری‌های امروز است.

همچنین منصور کبکانیان عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی چندی پیش آمارهایی از سهم مدارس و دهک‌های اجتماعی در رتبه‌های زیر ۳ هزار کنکور منتشر کرد که نشان از عمق نابرابری آموزشی در ایران دارد. این آمارها می‌گوید؛ دهک اول، دوم و سوم که از آنها به عنوان کم‌برخوردار یاد می‌شود، تنها ۲ درصد از صندلی دانشگاه‌های معتبر را به خودشان اختصاص دادند و دهک ۸، ۹ و ۱۰ که برخوردارترین هستند، توانستند ۸۰ درصد از ۳ هزار رتبه اول کشور در کنکور را داشته باشند. در این میان سهم دانش‌آموزان مدارس غیردولتی ۸۰ درصد بود.

وزیر آموزش و پرورش: کتاب‌های درسی باید بر اساس جنسیت متفاوت باشد

به‌تازگی وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، گفته که بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، کتاب‌های درسی دانش‌آموزان دختر باید با کتاب‌های درسی دانش‌آموزان پسر متفاوت باشد. او توضیحی در مورد این محتوای متفاوت نداد و تنها گفت که محتوای جدید بر اساس آن چیزی است که او آن را «فرهنگ حیا» می‌داند.

رضامراد صحرایی روز یکشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۲، در اختتامیه جشنواره‌ای با عنوان «به‌بندخت» به جزئیات یا زمان‌بندی برای تفکیک جنسیتی کتاب‌های درسی نیز اشاره نکرد، اما سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را سند «نظام تعلیم و تربیت» جمهوری اسلامی دانست و مدعی شد «خانواده باید از طریق مدرسه آموزش ببیند.» او با اشاره به بیش‌تر از ۱۲۰ هزار مدرسه در ایران اعلام کرد که نظام تربیت جمهوری اسلامی باید از این مدارس «متحول» شود.

صحرائی روز ۳۰ شهریور و در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید نیز خبر داده بود که امسال نزدیک به ۲۰ هزار مدیر مدرسه تغییر کردند تا به گفته او «در مدارس تحول ایجاد کنند».

این در حالی است که جلال محمودزاده، نماینده اهل سنت مهاباد در مجلس، روز ۷ آبان با انتقاد از «خالص‌سازی» در دولت سیزدهم گفته است که در کمتر از پنج ماه اخیر «۱۵ تا ۲۰ هزار» مدیر مدرسه در ایران به «دلایل سیاسی و اعتقادی» کنار گذاشته شده‌اند.

وزیر آموزش و پرورش ایران روز یکشنبه شمار دختران دانش‌آموز در ایران را ۸ میلیون نفر ذکر کرد و درباره آمار زنان در حال تحصیل در دانشگاه فرهنگیان که محل اصلی برای تربیت معلمان مدارس است نیز گفت که نیمی از «دانشجو معلمان» این دانشگاه در سراسر کشور زنان هستند.

به‌دنبال کمبود معلم در کلاس‌های درس در سال تحصیلی جدید، پیش از این گزارش‌هایی درباره استفاده از دانشجویان فارغ‌التحصیل نشده این دانشگاه برای تدریس در مدارس منتشر شده بود.

از سوی دیگر طبق اعلام وزارت آموزش و پرورش، ستاد ملی تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه‌ای موسوم به «کشف استعدادها» داشته است که طبق آن دانش‌آموزانی که به گفته مسئولان، «خلق و خوی معلمی» دارند، بدون شرکت در آزمون می‌توانند به استخدام این وزارتخانه درآیند.

تلاش‌های مقام‌های مختلف جمهوری اسلامی برای تغییر آموزش دانش‌آموزان در حالی تشدید شده است که در جریان اعتراض‌های سراسری سال گذشته، تصاویر متعددی از دانش‌آموزانی که حجاب اجباری را از سر برداشته و علیه آن شعار می‌دهند، منتشر شد.

تغییر محتوای بیش از ۵۰ کتاب درسی در سال تحصیلی جدید، دخترانه و پسرانه کردن محتوای آموزشی، استخدام طلاب و مربیان پرورشی، برگزاری‌های اردوهای محرم‌سازی‌شده دختران با موضوع «حیا»، داشتن مدرک روخوانی قرآن به‌عنوان شرط استخدام معلمان، غربال‌گری روانی دانش‌آموزان با ادعای محافظت از آسیب‌های اجتماعی و تبدیل کردن مدارس به پایگاه‌های عقیدتی و سیاسی به نام دین از خیز بلند حاکمیت برای شست‌وشوی مغزی حدود ۱۶ میلیون دانش‌آموز ایرانی خبر می‌دهد و آشکار می‌کند که جمهوری اسلامی می‌کوشد همان‌طور که رضامراد صحرائی، وزیر آموزش و پرورش اذعان کرد، فرهنگ خانواده‌ها را از طریق مدارس تغییر دهد.

بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد در تمام متون کتاب، مردها علاوه بر نقش پدر نقش‌های گوناگون شغلی و اجتماعی بر عهده دارند. در مقابل زنان با حضوری کم‌رنگ در مسائل اجتماعی معمولاً نقش مادر و مادر بزرگ را عهده‌دار هستند.

از نظر آماری در متن و تصاویر درس‌ها، ۲۱ عنوان شغلی برای مردان ذکر شده است، از جمله معلم، مربی، حاکم، آشپز ماهر، حکیم، فروشنده، کارگر، کشاورز، فرمانروا، شاعر، وزیر، خلبان و غیره. اما در مقابل، تنها عناوین شغلی برای زنان که به آن اشاره شده، یک بار مربی بهداشت و یک مورد خانم معلم است. البته در یکی دیگر از درس‌ها نیز به زن فقیری اشاره می‌شود که گدایی می‌کند. در بقیه موارد، زنانی که به آن‌ها اشاره شده یا خانه‌دار هستند یا صرفاً به مادر بودن آن‌ها اشاره می‌شود.

در یکی از درس‌ها، معلم ورزش پسران را به انتخاب رشته‌ای ورزشی و حضور در ورزشگاه تشویق می‌کند. پسران همراه معلمشان برای گردش علمی به «دامنه کوه» می‌روند و «تماشای قله، آسمان آبی، هوای بسیار پاکیزه و تمیز، بوی پونه‌های وحشی و صدای دلنشین چشمه‌ای که در دامنه کوه روان است آن‌ها را غرق شادی و نشاط می‌کند. در

مقابل دانش‌آموزان (دختر) با «نظم و ترتیب» به سمت کلاس‌ها می‌روند و بی‌صبرانه منتظر مربی بهداشت می‌مانند تا در مورد «آلودگی صوتی» با آن‌ها صحبت کند.

نابرابری در انتخاب پوشش دختران و پسران به شدیدترین وجه آن در دو تصویر مقابل هم در صفحه‌های ۸ و ۹ کتاب فارسی سوم دبستان نمایان است: در صفحه ۸ (درس پدربزرگ)، دختر در محیط «خانه» و در کنار مادر و پدربزرگش، لباس کامل (بلوز آستین بلند، دامن و جوراب ضخیم) پوشیده و روسری‌اش را محکم روی سرش بسته است، طوری که باصطلاح رایج «حتی یک تار موی سرش پیدا نباشد.» صفحه‌ی مقابل (درس زنگ ورزش)، یک «استخر مردانه» را نشان می‌دهد که پسرهای لخت با یک شلوار کوتاه، مشغول شنا هستند و البته معلم یا مربی ورزشی هم مایو و پیراهن آستین کوتاه بر تن دارد.

با توجه به این‌که از نظر آموزش و پرورش، کلاس سوم برای دخترچه‌ها که در این پایه به ۹ سالگی می‌رسند، سن تکلیف است و آن‌ها باید پوششی کامل همچون زنان بزرگسال را داشته باشند، کنار هم قرار گرفتن این دو تصویر اتفاقی نیست. به‌منظر می‌رسد که برنامه‌ریزان آموزش قصد دارند این پیام را منتقل کنند که دختران حتی در یک نقاشی از فضای خانه، باید همچون مادران‌شان پوشش کامل بر تن داشته باشند، اما پسران، نه تنها در خانه، حتی در بیرون از خانه نیز چنین الزامی را ندارند و دیگران (از جمله زنان و دختران) می‌توانند حتی تصاویر مردان بزرگسال را در هر لباسی ببینند.

جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه و نیم حاکمیت خود، گنجاندن محتوای ایدئولوژیک و عقیدتی در محتوای آموزشی مدارس، شست‌وشوی مغزی کودکان را آغاز کرد.

تلاش‌های حاکمیت برای همسو کردن جریان فکری جامعه در اوایل دهه ۹۰ با تصویب سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش در شورای عالی انقلاب فرهنگی چارچوب هدفمندتری هم پیدا کرد. بر مبنای این «سند بالادستی» دانش‌آموزان باید نسلی «فرمان‌بردار و ولایت‌پذیر» تربیت شوند. هدف غایی آموزش‌وپرورش هم تربیت پسران به عنوان «سربازان تمدن نوین اسلامی» و محدود کردن دختران به «نهاد خانواده» است.

وزارت آموزش‌وپرورش در ایران بیش از آن‌که نهادی آموزشی و تربیتی باشد، کارکرد سیاسی و ایدئولوژیک دارد. برای همین است که همواره مشکلات اساسی این وزارتخانه مثل کمبود سرانه آموزشی، محرومیت تحصیلی دانش‌آموزان، مافیای آموزش، کمبود معلم و بسیاری چالش‌های دیگر به حاشیه رانده شده‌اند و اجرای اهداف جمهوری اسلامی در راس فعالیت‌های این نهاد قرار دارد. بنابراین، وزیر آموزش‌وپرورش در جمهوری اسلامی فارغ از این‌که اصلاح‌طلب است یا اصولگرا، باید در راستای اهداف سند تحول بنیادین حرکت کند.

سند تحول بنیادین که مبنای آن اسناد بالادستی است و در سال ۱۳۹۰ تصویب شد، به گفته حمیدرضا حاجی‌بابایی، وزیر آموزش‌وپرورش وقت، از «مطالبات» رهبر جمهوری اسلامی بوده و اهداف تعلیم و تربیت در ایران تا سال ۱۴۰۴ را ترسیم کرده است.

حاجی‌بابایی، وزیر آموزش‌وپرورش دولت محمود احمدی‌نژاد، پس از رونمایی از این سند در سال ۱۳۹۰، آن را یکی از مهمترین اقدام‌های این وزارتخانه خواند و گفت که یکی از ارکان اصلی این سند «ولایت‌مداری و الهام از آموزه‌های دینی» است. گفته‌های او را حدود ۹ سال بعد محسن حاجی میرزایی، وزیر آموزش‌وپرورش دولت حسن روحانی، هم تایید کرد و هدف آموزش‌وپرورش را «تربیت سربازان تمدن نوین اسلامی» دانست.

اظهار نظر یک‌سان دو وزیر آموزش و پرورش در دولت‌هایی که مدعی بودند رویکرد متفاوت دارند، نشان می‌دهد که نقشه راه نظام آموزشی در ایران خارج از اختیار دولت‌ها و زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی تعیین می‌شود و بر این اساس، به واسطه نفوذ در سیستم آموزشی، بقای حاکمیت تضمین می‌شود.

حمزه شریفی‌دوست، مدیر امور دروس معارف، از ابلاغ درسی به‌نام «ترگل و رگل» با موضوع حجاب و پوشش به دانشگاه‌ها خبر داده است.

او در مراسم رونمایی کتاب‌های معارف اعلام کرد که این کتاب‌ها ترم گذشته معرفی شده‌اند و توضیح داد: «سه بخش کتاب داریم؛ در بخش اول، کتب پرسش‌محور، در بخش دوم، کتب اندیشمندان موفق و در بخش سوم، کتب موسمی را خواهیم داشت.»

شریفی‌دوست منظور از درسنامه‌های موسمی را «موضوعات به‌روز» اعلام کرد که «اقتضانات» باعث می‌شود که به آن‌ها پرداخته شود و در ادامه افزود: «یک عنوان در این بخش کتاب ترگل و رگل است که ترم گذشته ابلاغ شد و با موضوع پوشش و حجاب در تمام گرایش‌ها است. موضوع مهم بعدی در این بخش مسئله فلسطین است که متن اولیه آن با استفاده از محتواهای به‌روز و مناسب در ۱۶ محور تدوین و آماده شده است. سومین موضوع و پیوست درسی امیدآفرینی است که نیاز روز دانشجویان است و با رویکرد دستاوردهای انقلاب و تمرکز بر قدرت منطقه ای ایران انجام شده است.»

چهار کتاب از علی خامنه‌ای سوژه دیگر گروه معارف‌اند که قصد دارد آن‌ها را برای تدریس در دانشگاه‌ها آماده کنند. این اولین بار نیست درسی هم‌راستا با اصول عقیدتی نظام جمهوری اسلامی برای تدریس به دانشگاه‌ها دیکته می‌شود. پیش از این نیز یک درس دو واحدی به نام «مکتب شهید سلیمانی» برای تدریس به تمام دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی سراسر ایران ابلاغ شده بود. یحیی رحیم‌صفوی، رئیس پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، خرداد ۱۴۰۲ با اعلام خبر ابلاغ این واحد درسی به دانشگاه‌ها خطاب به معاونان آموزشی گفت: «اگر می‌توانید، از مهر ۱۴۰۲ تدریس این درس را راه‌اندازی کنید.»

او مدعی شد که هدف از ایجاد این درس «ساختن نسل جوان و انتقال مکتب سلیمانی به نسل حال و آینده» است و برای «کار علمی» روی این کتاب بیش از دو سه سال زمان گذاشته شده است.

از طرفی پس از به راه انداختن موج جدید «انقلاب فرهنگی» و اخراج گسترده استادان و دانشجویان از دانشگاه‌ها، حالا به سراغ واحدهای درسی و پیگیری جدی حذف علوم انسانی رفته است.

حذف علوم انسانی از دانشگاه‌ها بر اساس فرمان علی خامنه‌ای از سال‌ها پیش در دستور کار قرار گرفت و قرار است به نام «علوم انسانی اسلامی» و به کام نظام جمهوری اسلامی صورت بگیرد.

راه‌اندازی شش دوره جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی و تغییر عناوین کتاب‌ها و حذف کتاب‌های حوزه علوم انسانی و جایگزینی آن‌ها با عناوین عقیدتی از جمله اقدام‌های تازه جمهوری اسلامی است. غلامعلی حداد، با حمایت از این روند به سدهای پیش روی آن اشاره و به مخالفان آن و برخی افراد که به لزوم تحول علوم انسانی در دانشگاه‌ها اعتقادی ندارند، اعتراض کرد.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در مورد اسلامی کردن علوم انسانی گفت: «علوم انسانی اسلامی از نظر فلسفه کلی حرف برای گفتن دارد و روشن است؛ اما لازم است در عمل نیز تلاش صورت بگیرد. برای مثال تنها با نقد اومانیسم نمی‌شود آن را اسلامی کرد. برای مثال باید دانست اسلامی کردن علم روانشناسی به چه معنا است و رسیدن به این مرحله نیازمند تلاش است. بنابراین ضرورت دارد فلسفه این علم تبیین شود.»

محمدعلی زلفی‌گل، وزیر علوم نیز، در افتتاحیه همایش هفتمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی مدعی شد که مقر اصلی علوم انسانی اسلامی جمهوری اسلامی ایران است. او در این همایش گفت: «علوم انسانی اسلامی باید در دنیا سرمشق‌نویس باشد. ما باید تمام تلاش خود را داشته باشیم که سرمشق‌نویس باشیم در علوم انسانی اسلامی. مقر اصلی علوم انسانی اسلامی جمهوری اسلامی ایران است. از اقدام‌های خوب این کنگره ارتباط قوی بین دانشمندان علوم انسانی دانشگاه‌ها و حوزه علمیه است. ما سعی کردیم که به این موضوع هدفمند توجه کنیم.»

با وجود آن که کتاب‌های درسی کنونی در ایران، ممکن است با شکل دادن افکار و ارزش‌های تردیدی نیست که با حضور زنان و مردان تحصیل‌کرده، این کلیشه‌های تبعیض‌آمیز، ذهن دختران و پسران مدارس نخواهد شد و این کودکان راه خود را برای رسیدن به جامعه‌ای انسانی پیدا خواهند کرد که در آن انسان فارغ از جنسیتش یار و یاور انسان باشد.

مسئولان آموزش و پرورش، دیگر مانند گذشته نه تنها قصد ندارند، تلاش حاکمیت برای شست‌وشوی مغزی کودکان را پنهان کنند، بلکه طی ماه‌های اخیر به صراحت از اجرای برنامه‌ها و اقدام‌هایی در راستای رسیدن به این هدف خبر دادند.

کمبود مشاور و مربی امور تربیتی در مدارس و تشدید سلطه طلاب در مدارس

در یکی از تازه‌ترین خبرها، علی‌فرهادی، سخنگوی وزارت آموزش و پرورش، در نشست خبری گفت به زودی ۱۹ هزار مشاور و مربی امور تربیتی در مدارس ایران استخدام می‌شوند. به گفته این مقام دولتی، در حال حاضر بین دو تا سه میلیون دانش‌آموز تحت پوشش برنامه‌های پرورشی مدارس‌اند و این «مطلوب» نیست.

مربیان پرورشی در مدارس ایران، مأموریت جذب دانش‌آموزان در پایگاه‌های بسیج دانش‌آموزی، پاسخ‌گویی به سؤالات دینی کودکان و استفاده از آن‌ها در جهت تبلیغات عقیدتی و سیاسی حاکمیت را برعهده دارند.

آموزش و پرورش در قالب «طرح امین» نیز اقدام به استخدام طلاب در مدارس می‌کند. بر اساس اعلام حسین ملانوری، معاون تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه، تاکنون ۲۱ هزار طلبه مرد و زن در طرح امین به استخدام آموزش و پرورش درآمده‌اند و از این وزارتخانه حقوق می‌گیرند.

با این همه، چنین به نظر می‌رسد که این مسایل هنوز رهبر و سایر مقامات جمهوری اسلامی را راضی نکرده است. خبرگزاری فارس، نزدیک به سپاه پاسداران، با راه‌اندازی کارزاری خواستار استخدام بیشتر طلاب در مدارس با هدف مقابله با «نفوذ رسانه‌های معاند» شده است.

مدتی پیش نیز ویدیویی از سخنرانی علیرضا پناهیان، چهره مذهبی نزدیک به علی‌خامنه‌ای در رسانه‌های اجتماعی فراگیر شد که در آن می‌گوید، آموزش و پرورش چون در معرفی «مظلومان فلسطین» به دانش‌آموزان موفق عمل نکرده است، باید تعطیل شود.

اکنون استخدام هزاران طلبه و مشاور تربیتی و دینی در مدارس در حالی به‌عنوان یک اولویت اساسی در آموزش و پرورش دنبال می‌شود که گزارش‌ها از کمبود ۲۰ هزار معلم حکایت دارد. همچنین کمبود مراقبان سلامت به خصوص در مدارس روستایی و محروم که فاقد امکانات بهداشتی‌اند، به‌شدت محسوس است.

از مجموع سخنان وزیر و مدیران آموزش و پرورش چنین برمی‌آید که اولویت فعلی این وزارتخانه مطابق با سند تحول بنیادین که با دستور علی‌خامنه‌ای تدوین و تصویب شده است، همسو کردن دانش‌آموزان با ذائقه فکری و عقیدتی حاکمیت است.

وزیر آموزش و پرورش، روز یکشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۲، در مراسمی به صراحت گفت که بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، کتاب‌های درسی دانش‌آموزان دختر باید با کتاب‌های درسی دانش‌آموزان پسر متفاوت باشد.

او همچنین اذعان کرد که طبق برنامه آموزش و پرورش خانواده باید از طریق مدرسه آموزش ببیند و معلمان زن باید دانش‌آموزان را طوری تربیت کنند که «نجابت، عفت و حیا» را به نسل آینده منتقل کنند.

سخنان رضامراد صحرایی، واکنش‌های زیادی در میان مردم و رسانه‌های اجتماعی به دنبال داشت اما سخن‌گوی وزارت آموزش و پرورش در نشست خبری دوشنبه از سخنان مافوقش دفاع کرد و خبر داد که تفکیک جنسیتی محتوای آموزشی مدارس آغاز شده است و «اثرات مطلوب» آن در «پایان برنامه» مشاهده خواهد شد.

وزیر آموزش و پرورش که در ابتدای سال تحصیلی جدید از تغییر محتوای بیش از ۵۰ کتاب درسی خبر داده بود، در یکی از تازه‌ترین سخنانش نیز گفت که اگر غربی‌ها اسپایدرمن دارند، ما هم «الگوهای بزرگ و ظالم‌ستیزی» مثل قاسم سلیمانی و طهرانی‌مقدم را داریم و باید آن‌ها را به عنوان «بنای صلح» معرفی کنیم.

اوایل آبان، سید مهدی باقریان، مدیرکل تألیف کتب درسی آموزش و پرورش گفت که در ۱۴ کتاب درسی به‌طور مستقیم مسئله فلسطین مطرح شده است. او همچنین افزود که طبق دستور علی خامنه‌ای، «اکنون بیش از ۵۰ سند جاسوسی در کتب درسی قرار گرفته‌اند».

مرور گذرای کتاب‌های درسی مدارس در مقاطع مختلف تحصیلی نشان می‌دهد که حجم انبوهی از این کتاب‌ها را موضوع‌هایی مانند «مقاومت، مبارزه با استکبار، ایثار، شهادت، ظلم‌ستیزی، دشمنی با غرب، نابودی اسرائیل و ادبیات پایداری» شامل می‌شوند.

همچنین آموزش و پرورش در برنامه‌ای هدفمند دختران دانش‌آموز را به خانه‌داری و بالا بردن مهارت‌های تربیت فرزندان سوق می‌دهد. به‌تازگی نیز این وزارتخانه اعلام کرد در اردوهای محرم‌سازی‌شده، دختران دانش‌آموز با «فرهنگ حجاب و حیا» آشنا می‌شوند.

اختصاص بودجه‌های کلان برای برگزاری برنامه‌های عقیدتی و سیاسی و پرداخت حقوق از جیب مردم به طلاب و مربیان پرورشی در حالی است که وزارت آموزش و پرورش در دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی همواره با کمبود بودجه مواجه بوده است.

در حال حاضر گزارش‌های میدانی آشکار می‌کند که بسیاری کلاس‌ها معلم ندارند و والدین دانش‌آموزان به‌عنوان معلم به کلاس‌های می‌روند. این وضعیت در حالی ادامه دارد که حکومت فعالان صنفی معلمان را زندانی، بازداشت و اخراج می‌کند.

در ابتدای سال تحصیلی جدید نیز ۲۰ هزار مدیر مدرسه کنار گذاشته شدند تا افراد همسو با حاکمیت جای آن‌ها را پر کنند. سخن‌گوی آموزش و پرورش در یک نشست خبری، خالی ماندن کلاس‌های درس از معلمان را انکار کرد.

تلاش جهانی برای مبارزه با تبعیض جنسی

تبعیض جنسی همواره یکی از مشکلات اجتماعی بوده است. در سال ۱۹۶۷ سازمان فرهنگی آموزشی ملل متحد «یونسکو» مصمم شد برنامه عمومی درازمدتی را با هدف تأمین برابری امکانات دختران در زمینه آموزش و پرورش در پیش گیرد. گروه‌های مسئول این پژوهش‌ها موظف شدند به بررسی کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی دبستانی در کشور خود بپردازند. آن‌ها اهدافی مانند ترسیم تصویر نادرست زنان و مردان و نقش‌های کلیشه‌ای که به آنان نسبت داده می‌شد را برای سنین تا ۱۲ سال در دستور کار قرار دادند. در ژوئیه ۱۹۸۰ نیز کنفرانس جهانی ملل متحد برای زنان،

مصرانه از حکومت‌ها خواست تمام تدابیر لازم را برای محو کلیشه‌های تبعیض‌آمیز جنسی در مطالب آموزشی در پیش گیرند.

آندره میشل، نویسنده کتاب «بیکار با تبعیض جنسی»، درباره علت این تصمیم جهانی می‌نویسد: «زنان متعلق به محیط‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی نشان داده‌اند که قادرند در عرصه‌هایی که به‌طور سنتی مختص مردان بوده است نقش ایفا کنند و ارتقای مقام بیابند، اما در کتاب‌های درسی و ادبیات کودکان این دگرگونی‌ها بازتاب نیافته و برخی کتاب‌های درسی همچنان حامل پیام‌های بی‌حاصل و پوسیده‌اند.»

در حالی که در حاکمیت جمهوری اسلامی، همواره سعی شده است این تبعیض در جامعه نهادینه شود. برای مثال، کتاب فارسی سوم دبستان در هفت فصل تنظیم شده و در هر فصل، ضمن آموزش زبان فارسی، انتقال مفاهیمی نظیر نهادها، بهداشت، اخلاق و ... نیز مورد نظر برنامه‌ریزان آموزش و پرورش بوده است. فصل اول کتاب به نهادها اختصاص داده شده و دو درس اصلی و دو متن فرعی (با عنوان بخوان و ببینیش) را شامل می‌شود. پسران، راوی هر دو متن اصلی در این فصل هستند.

در درس «محلّه ما»، پسر از خانه بیرون می‌رود و با محلّه و بچه‌های آن آشنا می‌شود و همان‌جا به عضویت تیم فوتبال محلّه در می‌آید و درس با این جمله پایان می‌یابد که «حالا دیگر بچه‌های محلّه، امید را می‌شناسند و با او دوست هستند.»

در درس «زنگ ورزش»، پسران در باره علایق ورزشی خود گفت‌وگو می‌کنند، راوی به استخر می‌رود و بعد از طی دوره آموزشی، می‌گوید: "فردا مسابقات شنای دانش آموزی برگزار می‌شود و من برای به دست آوردن بهترین رتبه، تلاش خواهم کرد."

در دو درس این فصل (نهادها)، متن‌های فرعی (با عنوان بخوان و ببینیش)، به دختران اختصاص دارد. متن اول (شعری با عنوان پدر بزرگ) از زبان دختری بیان می‌شود که پدر بزرگ خسته به خانه آن‌ها می‌آید، مادر برای او چای می‌آورد و نهایتاً در پایان متن، پدر بزرگ با عصایش دخترک را قلقلک می‌دهد و تمام! در دست پیر او بود/ باز آن عصای زیبا/ خندید و قلقلک داد/ با آن عصا دلم را!

متن فرعی دوم، با عنوان «قصه تنگ بلور»، قصه دختری با نام صنوبر است که با دختر کوچکی آشنا می‌شود که در یک تنگ بلور زندگی می‌کند. در بخشی از قصه، صنوبر، دختر کوچولو را به دیدن موزه‌ای می‌برد که پر است «از ظرف‌هایی به رنگ آبی، سفید، صورتی و فیروزه‌ای.» در پایان قصه، دختر کوچولو، تنگ بلور صورتی رنگی را در همان موزه، برای ادامه زندگی خود انتخاب می‌کند.

به این ترتیب ده‌ها هزار دختر کلاس سومی، بارها و بارها این دو درس (۴ متن) از بحث نهادها را روخوانی می‌کنند، مشق می‌نویسند و به آن‌ها دیکته می‌شود تا یاد بگیرند که: «فضاهای «بیرونی» (نظیر محلّه و ورزشگاه) جای پسران است و دختران باید در «اندرونی» خانه به فکر پخت و پز و فراهم کردن شرایط برای رفع خستگی مردان خانه شان باشند، چرا که شرایط و محیط پیرامون‌شان همچون تنگ بلور برایشان شکننده است!»

تغییر نام و حذف شب یلدا و چهارشنبه سوری از تقویم رسمی با دستور شورای انقلاب فرهنگی

طی هفته‌های اخیر، از تغییر شب یلدا و چهارشنبه سوری از تقویم رسمی برای سال ۱۴۰۳ منتشر شد. این تغییرات، با دستور مستقیم شورای انقلاب فرهنگی صورت گرفته و پس از هیاهوی اجتماعی که ایجاد شد، توضیحات رسمی در این رابطه ارائه شد.

به گفته شورای عالی انقلاب فرهنگی، از سال ۱۴۰۳ نام دو آیین ایرانی شب یلدا در آخرین شب آذرماه، به عنوان «روز ترویج فرهنگ میهمانی و پیوند با خویشان» و سه شنبه آخر سال که زمان برگزاری آیین باستانی چهارشنبه سوری است به عنوان «روز تکریم همسایگان» در تقویم رسمی کشور تغییر یافته و ثبت می شود.

عباس میرزاحسینی، رئیس مرکز رسانه و روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت و گو با ایسنا، گفت: «هدف از نامگذاری روزها و مناسبت های خاص، تقویت مولفه های هویت ملی ایرانیان و بزرگداشت شخصیت ها، ارزش ها و تحکیم پیوندهای دینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی در جامعه است.»

آیین ها، آداب و رسوم ایران باستان، قرن ها است که از نسل به نسل بعدی انتقال یافته است. اما مسلم است این مردم هستند که مولفه های سنت ها و هویت های تاریخی خود را تغییر می دهند و سیستم فرهنگی جدید می سازند.

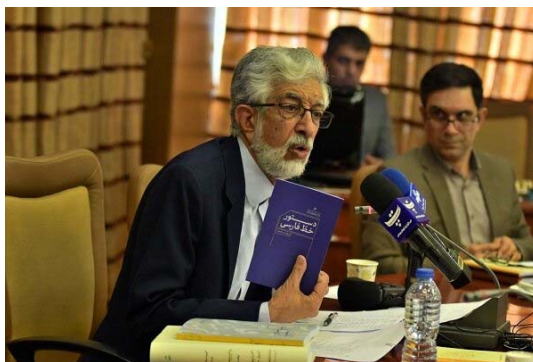
از دهه ۷۰ خورشیدی، با اختصاص بودجه های بی حساب و کتاب، نهادهایی مانند فرهنگستان زبان و ادب فارسی شکل گرفت که هدف آن در عمل، نابودی واژه های فارسی و تبدیل آن به زبان عربی بود. همچنین دیگر هدفی که این فرهنگستان آن را دنبال می کرد، تخریب و تغییر تدریجی فرهنگ تاریخی ایرانی و همچنین نامفهوم سازی اصطلاحات علمی بوده است.

برای مثال، در حالی که تمامی کشورها با تنوع زبان های مختلف اصلاحات حوزه مهندسی و پزشکی واحد دارند تا با زبان علم با یکدیگر سخن بگویند، در کتب آموزش پرورش، از واژه آویژه به جای آپاندیس و از واژه رایانامه به جای ایمیل استفاده می شود!

همچنین فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بابت خلق واژه دراز لقمه به جای اسنودچ، گرده لقطه به جای همبرگر و کش لقمه به جای پیتزا، از مجالس دوره های مختلف، بودجه های کلان دریافت می کند.

حالا در کرسی های علمی دانشگاهی می شنویم که از عدم وجود فرهنگ، هنر و علم در ایران پیش از اسلام صحبت به میان می آید.

در بیانیه شورای انقلاب فرهنگی نیز با احتیاط فراوان اشاره شده است که نام آیین های قدیمی حذف نشده است بلکه متناسب با آن، از فرهنگ های روز اجتماع استفاده شده است. اما این یک تلاش بی وقفه است که به صورت تدریجی و آرام، طی چند سال نسل جدید را با نام چهارشنبه سوری و حتی شب یلدا غریبه کنند.



حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد سعدی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و همچنین عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

در نوامبر ۲۰۱۱، رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی تعداد واژه های ضرب شده در فرهنگستان فارسی را ۳۵ هزار واژه اعلام کرد و از به مشارکت فراخواندن انجمن های علمی برای همکاری در زمینه ساخت واژه های تخصصی خبر

داد. اما چه میزان از ۳۵ هزار واژه ای که او از آن به عنوان دستوراد فرهنگستان زبان و ادب فارسی یاد می‌کند توانسته به زبان روزمره مردم و حتی رسانه‌ها راه یابد؟

به گزارش خبرگزاری مهر، غلامعلی حداد عادل، رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در این همایش گفته است: فرهنگستان تا کنون ۳۵ هزار کلمه معادل برای واژه‌های بیگانه تصویب کرده است که این واژه‌ها در هشت دفتر منتشر شده‌اند.

برای مثال، روزنامه‌نگاران، گویندگان رادیو و تلویزیون یا حتی کارکنان ارشد وزارت ارتباطات و سازمان‌های دیگر هم اگر چه در نوشته‌ها و نشست‌های رسمی خود از کلمه «رایانه» استفاده می‌کنند اما وقتی قرار است برای خرید یک دستگاه «رایانه» به مغازه ای مراجعه کنند از واژه «کامپیوتر» استفاده خواهند کرد.

روزنامه همشهری در گزارشی که سال ۱۳۸۵ در مورد کارکرد واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی تهیه کرده بود به این نکته اشاره داشت که حتی کارکنان فرهنگستان زبان نیز در مکاتبات و مکالمات درون‌سازمانی خود، به رعایت تمامی واژه‌های مصوب فرهنگستان نیستند.

اما آیا با آوار کردن این ۳۵ هزار واژه به صورت فله‌ای بر سر کاربر تمامی مسئولیت و مأموریت فرهنگستان زبان فارسی به پایان می‌رسد؟ در دنیایی که سازمان‌ها و نهادهای مختلف با توسل به آخرین دستوردهای روان‌شناسی صنعتی-سازمانی در استفاده از روش‌های نوین و هوشمندانه تبلیغ و آموزش با یکدیگر رقابتی نفس گیر دارند، تولید ۳۵ هزار کلمه برای معادل‌های بیگانه آیا بیش‌تر به انبار کردن کلمات شبیه نیست؟

حداد عادل نیز مانند علی‌اکبر ولایتی، نماینده رهبر در امور بین‌المللی، ده‌ها شغل رسمی و غیررسمی دارد و مهم‌تر از همه، نور چشم بیت رهبری است.

با پیروزی انقلاب اسلامی حداد عادل در ابتدا در سمت معاونت وزارت ارشاد دولت موقت و شورای مدیریت صدا و سیما به فعالیت می‌پردازد تا اینکه در سال ۱۳۶۱ به وزارت آموزش و پرورش می‌رود و مسئولیت تغییر محتوای کتب درسی زمان پهلوی را بر عهده می‌گیرد. حداد عادل پس از یک دهه حضور در وزارت آموزش و پرورش، در اواسط دهه ۷۰ ریاست فرهنگستان زبان و ادب فارسی منصوب می‌شود و در سال ۱۳۷۶ به عنوان نماینده مردم تهران به ششمین دوره مجلس شورای اسلامی راه می‌یابد. او در مجلس هفتم، پس از انتخاب شدن به عنوان منتخب اول تهران در انتخابات هیئت رئیسه، پنجمین رئیس مجلس شورای اسلامی شد. از اواسط دهه هشتاد حداد عادل علاوه بر نمایندگی مجلس مسئولیت‌های مشاور عالی رهبری و همچنین عضویت در مجلس تشخیص مصلحت نظام را نیز بر عهده داشت. او در مجلس هشتم شورای اسلامی نیز توانست به عنوان نماینده تهران راهی مجلس شد، اما این بار ریاست را به علی لاریجانی واگذار کرد.

حداد عادل با شعار تقوا و تدبیر در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ نامزد شد و صلاحیت او از سوی شورای نگهبان تایید شد، اما در ۲۰ خرداد ۱۳۹۲ (چهار روز پیش از انتخابات ریاست جمهوری) به نفع اصول‌گرایان از نامزدی کنارگیری کرد. از میان فرزندان علی خامنه‌ای مجتبی، پسر دوم او، داماد غلامعلی حداد عادل است و به همین دلیل، هر موضعی که او می‌گیرد در واقع موضع رهبری جمهوری اسلامی است و دستش در حاکمیت، برای هر کاری باز است.

نتیجه‌گیری

تحولات جامعه ایران به‌ویژه پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ و پس از پایان جنگ ایران و عراق، نشان از آن دارد که زنان برخلاف آنچه در آموزش رسمی بر آن تاکید شده است، مسیر مورد نظر خود را پیش برده‌اند. این موضوع چه در مورد فعالیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نظیر فعالیت اقتصادی، و چه در مورد نقش‌های خانوادگی، به‌وضوح در جامعه نشان از رفتار متفاوت زنان دارد. برای نمونه، زنان در چهار دهه اخیر، سهم قابل توجهی از کرسی‌های دانشگاه‌های را از آن خود کرده‌اند و همچنین زنان بسیاری توانسته‌اند به‌عنوان نویسنده و هنرمند و محقق، به دست آورند.

به درستی یکی از معلمان، تاکید کرده است که اگر مدرسی داشته باشیم که دارای محیطی استاندارد و ایمن باشند، اگر آموزشگاه‌ها دارای کتابخانه داشته باشند و دانش‌آموزان از ابتدا به قدرت تفکر، اندیشیدن و مطالعه واقف شوند، اگر فضای سبز و احترام به محیط‌زیست ریشه در آموزش مدرسه‌ها داشته باشد، اگر بخش مهمی از ترک تحصیل‌ها ریشه در فقر نداشت، اگر معلمان جایگاه و منزلت اجتماعی شایسته‌ای برای شغل خود ببینند و اگر ده‌ها مشکل دیگر دست از گریبان آموزش و پرورش برمی‌داشت شاید شعارهای پرورشی کارساز بود.

دانش‌آموزانی که از بهره‌های هوشی متوسط و به بالا برخوردار هستند و از طریق تکنولوژی مدرن در حال پیشرفت امروزی با جهان‌آشنایی دارند تمامی جوانب و جنبه‌های مختلف آموزش و پرورش و دین و دولت را به‌خوبی درک می‌کنند. دانش‌آموزانی که در تلاشند از نظر علم و دانش، به سطح مطلوب برسند. روشن است که آموزش و پرورش جمهوری اسلامی را قبول ندارند و به‌همین دلیل، جمهوری اسلامی پس از ۴۴ سال حاکمیت، اکنون از دخترچه‌های مدارس، حتی با حملات شیمیایی انتقام می‌گیرد. در سیستم آموزشی بسیاری از دانش‌آموزان، اعتماد به نفس بالاتری دارند و تاثیر طلبه‌ها و آموزش دینی بر آن‌ها، سخت‌تر و غیرموثرتر است.

همه این اقدام‌های حکومتی که در بالا به آن‌های اشاره کردیم در حالی انجام می‌شوند که طی سال‌های گذشته برای حذف علوم انسانی و جایگزینی آن با آنچه به تعبیر علی خامنه‌ای «علوم انسانی اسلامی» خوانده می‌شد، تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است. تلاش برای افزودن درسی با عنوان «ترگل ورگل» در حالی است که طی یک سال گذشته، جامعه ایران صحنه اعتراض‌های گسترده به حجاب و مخالفت با نظام جمهوری اسلامی بوده است و حالا نظام جمهوری اسلامی در نظر دارد با اضافه کردن کتاب درسی «ترگل ورگل» با موضوع حجاب اجباری با موج از سر برداشتن حجاب و خیزش «زن، زندگی، آزادی» مقابله کند.

زنان قدرت سازمان‌دهی و نقش رهبری سیاسی و اجتماعی را نیز در جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» به‌خوبی در معرض قضاوت جامعه قرار دادند و پایه‌های لرزان حاکمیت جمهوری اسلامی را به‌شدت تکان دادند.

طبق اعترافات مسئولان حکومتی از جمله رضامراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش، سیستم آموزشی ایران با کمبود ۲۰۰ هزار معلم روبه‌رو است. وضعیت کمبود معلم به حدی گسترده و جدی است که مسئولان هر یک آمار متفاوتی از وجود کلاس‌های بدون معلم می‌دهند. صحرایی می‌گوید: «فرض کنید در چهار هفته اول ۲۰ هزار کلاس بدون معلم بوده‌اند و محمد وحیدی از وجود ۱۰۰ هزار کلاس بدون معلم حرف می‌زند.»

صحرایی، می‌گوید ساماندهی امسال در تاریخ آموزش و پرورش بی‌سابقه بوده است و ما توانستیم کسری بیش از ۲۰۰ هزار معلم را با ۷۵ هزار معلم جدید جبران کنیم! عجب! واقعا چگونه ممکن است که با ۷۵ هزار معلم، کسری ۲۰۰ هزاری را حل کرد؟

کسری ۲۰۰ هزار معلم و بی‌معلم ماندن ده‌ها هزار کلاس درس، تنها بخشی از مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان و فرزندان اکثریت مردم تحت ستم جمهوری اسلامی است. طبق آمار اعلام شده یک میلیون دانش‌آموز و کودک از

تحصیل محروم شده‌اند. در برخی مناطق مانند سیستان و بلوچستان دانش‌آموزان در کپرها و در مدارس در حاکمیت آموزشی و ناامن درس می‌خوانند. بسیاری از مدارس حتی در شهرها، فاقد امکانات بهداشتی سالم و فضای استاندارد آموزشی و ایمنی هستند. طبق اقرار خود مسئولان فرهنگی، هفده هزار کلاس درس با تراکم جمعیت بالای ۴۰ دانش‌آموز وجود دارند.

علاوه بر همه این‌ها، فقر و بیکاری خانواده‌ها و سرسام‌آور بودن هزینه‌های تحصیلی، دانش‌آموزان زیادی برای تامین بخش‌های هرچند ناچیز از هزینه‌های تحصیلی خود، به انجام کارهایی مانند پاک کردن شیشه‌های ماشین‌ها، دست‌فروشی، فال‌فروشی، آدامس‌فروشی و یا جمع‌آوری ضایعات می‌پردازند.

در جریان خیزش سراسری ۱۴۰۱ و شکل‌گیری گسترده اعتراضات دانش‌آموزی، مقام‌های حاکمیت دریافتند که تلاش‌های آنان برای تاثیرگذاری بر کودکان بی‌نتیجه بوده است. از این رو با متهم کردن رسانه‌های خارج از کشور و فضای مجازی، به سیاست‌گذاری جدید برای تغییر ذائقه فکری کودکان روی آوردند. به نظر می‌رسد که مجموعه اقدام‌های جدید آموزش و پرورش نیز در راستای پیاده‌سازی همین هدف انجام می‌شود.

دانش‌آموزان ایرانی در حالی آماج محتوای عقیدتی و سیاسی و ایدئولوژیک حاکمیت در مدارس قرار گرفته‌اند که طبق پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، حکومت‌ها باید زمینه آزادی انتخاب عقیده و آموزش بدون تبعیض را برای کودکان فراهم کنند.

تردیدی نیست که تاریخ مصرف جمهوری اسلامی، حتی برای بسیاری از طرفداران خودش نیز به پایان رسیده است تا چه برسد به اکثریت مردم ایران؛ مردمی که به‌شدت از این حکومت نفرت دارند و همواره برای سرنگونی آن و برپایی یک جامعه نوین آزاد و برابر و عادلانه تلاش و مبارزه می‌کنند!

سه‌شنبه سی‌ام آبان- عقرب- ۱۴۰۲- بیست و یکم نومبر ۲۰۲۳